

## بررسی امکان تحقق مطالبات معوق در بانکداری بدون ربا

h-samsami@sbu.ac.ir  
 stu-skarimi@edalat.ac.ir

حسین صمصامی / استادیار دانشگاه شهید بهشتی  
 سعید کریمی / دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه عدالت  
 دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲

### چکیده

مطالبات معوق، یکی از موضوعات مهم و مطرح در بانکداری می‌باشد. در سال‌های گذشته، روند مطالبات غیرجاری در بانکداری ایران افزایش یافته است و سهم معوقات نسبت به تسهیلات اعطایی، به میزان نگران کننده‌ای رسیده است. سؤال اصلی این است که چرا آمار معوقه بانکداری در ایران، در مقایسه با بانکداری متعارف افزایش چشمگیری داشته است و دلایل اصلی آن کدامند؟ این در حالی است که بانکداری ایران مدعی اجرای قانون بانکداری بدون رباست.

با توجه به فرضیه تخصص بانک در بازار پول و عدم تخصص بانک در فعالیت بازار واقعی، این تحقیق به بررسی دقیق ماهیت معوقه در نظام بانکی بدون ربا پرداخته و با آسیب‌شناسی وضع موجود، با روش تحلیلی - توصیفی نشان می‌دهد که عبارت «معوقه» مرتبط با بحث دین می‌باشد که در برخی از عقود اسلامی، از جمله عقد مشارکت، با تحقق شرایط خاص این عقد جایگاهی ندارد. در عقد فروش اقساطی نیز کاربرد آن در نظام بانکی، در مقایسه با کاربرد شرکت‌های لیزینگ، بیانگر آن است که ساختار بانک کارایی لازم را برای اجرای صحیح عقد فروش اقساطی نداشته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که دلیل اصلی ایجاد معوقه، عدم اجرای دقیق عقود اسلامی است.

**کلیدواژه‌ها:** بانکداری بدون ربا، معوقه بانکی، مشارکت، فروش اقساطی، عقود شرعی.

یکی از مشکلات نظام بانکی در اقتصاد امروز ایران، پدیده مطالبه‌های غیرجاری است. بررسی واژه «معوقه» و دلایل تحقق آن، نشانگر این است که معوقه در قراردادهای منتهی به دین و قرض، امکان تحقق دارد. در مبانی نظری و حقوقی عقود مشارکتی، به دلیل دارا بودن شرایط خاص از معوقه شدن تسهیلات مصون می‌مانند. در نظام بانکداری ربوی، کسانی که در سر رسید معین، به پرداخت اقساط بدهی خود اقدام نکنند، با توجه به درصد بهره در قراردادی که با بانک منعقد کرده‌اند، باید برای مدت تأخیر نیز مدت قرارداد، بهره دیون خود را پرداخت کنند. افزون بر این، به طور معمول بانک‌ها برای مدت تأخیر، درصدی را افزون بر نرخ بهره، به‌عنوان جریمه پیش‌بینی می‌کنند. در نتیجه، بدهکار ملزم خواهد بود که برای تأخیر در پرداخت دین خود، بهره‌ای بیشتر از بهره اصلی مندرج در قرارداد را به بانک پرداخت کند. همین نظام دریافت بهره، به طور معمول، موجب می‌شود تا بدهکارانی که به هر علت، نمی‌توانند اقساط خود را به موقع پرداخت کنند، چنان مبلغ بدهی آنان افزایش یابد که هیچ‌گاه نتوانند این بدهی را به بانک پرداخت کنند. سرانجام نیز، تمام سرمایه خود را از دست می‌دهند (انصاری، ۱۳۹۰). دین و بدهی، می‌تواند ناشی از تمام قراردادهای بانکی باشد؛ بدین معنا که گاهی بدهی ناشی از قرض است و گاهی ناشی از عقود مبادله‌ای. هرچند مفهوم «معوقه» ناشی از بدهی، چه در قرارداد قرض و چه عقود مبادله‌ای، در بانکداری جمهوری اسلامی ایران آمده است، اما مفهوم «معوقه» در بانکداری ربوی، با توجه به اینکه وام در عقد قرض داده می‌شود؛ تعریف می‌گردد.

در ایران، پیش از انقلاب، با توجه به اینکه وام در قالب قرض پرداخت می‌شد، از روش بهره دیرکرد استفاده می‌شد. مشتری اگر بدهی خود را در سر رسید پرداخت می‌کرد، نرخ بهره‌ای معادل ۹ تا ۱۲ درصد پرداخت می‌کرد. اما اگر دیرکرد داشت، بهره‌اش به مبلغ ۲۰ درصد می‌رسید (هدایت‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲).

پس از انقلاب و توجه مردم و مسئولان به اجرای قوانین اسلام و ابطال قوانین مخالف با موازین فقهی، اقدامات متعددی از جمله لغو قوانین پیشین، تا وضع وجه التزام صورت پذیرفت. در عین حال، بررسی عملکرد ۳۰ ساله قانون بانکداری بدون ربا، در امر تسهیلات بیانگر افزایش شدید معوقات بانکی است.

بر اساس آمارهای اعلام شده سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در آبان ماه سال ۱۳۹۲، حجم کل مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی، حدود ۷۶ هزار میلیارد تومان بوده است. از این رقم، ۵۴ هزار میلیارد تومان آن، متعلق به بانک‌های دولتی و حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان، متعلق به بانک‌های خصوصی می‌باشد؛ این، معادل ۱۵.۴٪ از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی و ۱۳.۵ درصد نقدینگی کشور یعنی معادل حدود ۵۹۰ هزار میلیارد تومان می‌باشد. بالا بودن درصد مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور، در حالی است که این رقم بر اساس استانداردها و عرف بین‌المللی، باید بین سه تا چهار درصد تسهیلات اعطایی باشد. بنابراین، می‌توان گفت: حجم مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور، حدود چهار برابر استانداردهای جهانی می‌باشد.

در مطالعات و بررسی‌های انجام شده برای توضیح افزایش معوقات در شبکه بانکی، به موارد زیادی از جمله بی‌توجهی به اعتبارسنجی مشتریان، بی‌تجربگی در تنظیم قراردادهای، پرداخت تسهیلات به مشتریان خاص و عموماً آشنایان و نزدیکان و ضعف نظارت در شبکه بانکی اشاره شده است. اما موضوع مهمی که کمتر بدان توجه شده، این است که با توجه به اینکه ماهیت بانک فعالیت در بازار پول هست و اجرای عقود در بانکداری بدون ربا، به مفهوم ورود بانک به بخش واقعی هست و بانک امکان ورود به بخش واقعی را ندارد. از سوی دیگر، چون ماهیت بانک فعالیت و تخصص در بازار پول است، نه فعالیت در بازار واقعی، زمان ورود به فعالیت واقعی، با هزینه همراه است. مثلاً انجام فروش اقساطی با هزینه‌هایی مواجه است؛ مثل خرید ماشین برای مشتری، هزینه ثبت ماشین به نام خود و هزینه انتقال آن به مشتری. اما بانک برای فرار از چنین هزینه‌هایی، به مشتری وکالت می‌دهد تا مشتری چنین کارهایی را انجام دهد. مشکل از همین‌جا نشأت می‌گیرد؛ چون ممکن است مشتری چنین کاری انجام ندهد. اما در شرکت‌های لیزینگ، اموال در اختیار لیزینگ قرار می‌گیرد. به همین دلیل، موجب رشد معوقات بانکی در کشور و در نتیجه، آسیب‌های آن شده‌اند. از موارد مهمی هستند که این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال است که اصولاً معوقه در نظام بانکی، که عقود اسلامی به درستی اجراء می‌شود، چگونه ایجاد می‌شود؟

### مفهوم معوقه در نظام بانکی

«معوقه»: تأیید معوق، به کارهایی که انجام یافتن آنها به تأخیر افتاده باشد گویند (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل حرف م). معوقه یا تأخیر پرداخت، در فضای «دین» ایجاد می‌شود. مالی را که به صورت کلی ثابت بر ذمه شخص هست و ذمه شخص به آن مشغول می‌باشد، دین گویند (موسوی اصفهانی و بهجت، ۱۳۸۱، ص ۴۶۵). دین عبارت است از: مالی کلی که ذمه فرد به آن مشغول است؛ خواه سبب آن اختیاری باشد. مانند اشتغال ذمه زوج به مهر، به سبب عقد ازدواج و یا اشتغال ذمه قرض گیرنده به عوض قرض، به سبب عقد قرض و یا اشتغال ذمه خریدار، به ثمن در بیع نسبه و فروشنده به مثن در بیع سلف و یا غیر اختیاری باشد. مانند اشتغال ذمه فرد به بدل چیزی که آن را تلف کرده است، یا اشتغال ذمه زوج به نفقه زوج و مانند آن (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۴۷). تفاوت دین با قرض، در اعم بودن آن است؛ بدین معنا که قرض یکی از اسباب دین به شمار می‌رود؛ زیرا دین، هر مال کلی‌ای است که بر ذمه فرد ثابت باشد. اما قرض عبارت است از: تملیک مال به دیگری در برابر ضمانت پرداخت مثل یا قیمت آن توسط او که سبب اشتغال ذمه قرض گیرنده می‌شود. به طلبکار «دائن» و به بدهکار «مدیون» و «مدین» گویند و به هر دو «غریب» اطلاق شده است (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۸۴؛ ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۳). دین به دو قسم، دین حال و دین مؤجل تقسیم می‌شود. دین حال، دینی است که یا مدت ندارد و یا مدت سر رسیده است و طلبکار حق مطالبه آن را دارد. دین مؤجل عبارت است از: دین مدت‌دار، که پیش از سرآمدن مدت، طلبکار حق مطالبه ندارد. قصد و نیت پرداخت دین، اعم از حال و مؤجل، همچنین ادای دین حال و یا مؤجل، که

موعد آن رسیده، در صورت مطالبه طلبکار بر مدیون واجب است (عاملی، ۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۱۷-۱۸؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۴۱) و تأخیر در بازپرداخت، با تمکن از ادای آن حرام می‌باشد (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۳). افزودن مدت در دین مؤجل، یا مدت دار قرار دادن دین حال، در برابر پرداخت مبلغی افزون بر دین، ربا و حرام است (نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۱۲۱-۱۲۲). بنابر آنچه در قرآن کریم آمده، طلبکار موظف است به بدهکاری که دچار تنگدستی و اعسار شده و توانایی پرداخت بدهی خویش را ندارد، تا زمان بهبود وضعیت مالی، مهلت دهد. سخت‌گیری و مطالبه دین از او در حال اعسار حرام است (موسوی سبزواری، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

عقود تسهیلاتی در نظام بانکی کشور، در سه دسته عقود غیرانتفاعی (قرض الحسنه)، عقود مبادله‌ای (مربحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف، سلف، خرید دین، استصناع و...) و عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و...) جای می‌گیرند. در دو دسته اول، امکان تحقق بدهی وجود دارد، اما دسته سوم، پس از تسویه بدهی امکان تحقق دارد. تمرکز این نوشته، در فروش اقساطی و مشارکت می‌باشد.

در بانکداری سنتی (ربوی)، بین بانک و مشتری و گیرنده تسهیلات، رابطه مستقیم وجود دارد و بواسطه وجود همین رابطه مستقیم، رابطه دائن و مدیون بوجود می‌آید. ماهیت حقوقی فعالیت‌های بانک در قالب قرض، با بهره می‌باشد؛ اما در بانکداری بدون ربا، وجوه سپرده‌گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین سرمایه‌گذاری می‌شود.

با توجه به تسهیلاتی که در بانکداری بدون ربا به متقاضیان تعلق می‌گیرد، در مبانی نظری و به شرط اجرای صحیح عقود اسلامی، ماهیت معوقه با معوقه در دین، ناشی از قرض که در نظام بانکی ربوی اتفاق می‌افتد، متفاوت است. در اینجا این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در آیین نامه جدید وصول مطالبات بانکی مصوب سال ۱۳۸۸ از برخی مطالبات بانکی، با عنوان «مطالبات سوخت شده» یاد شده است. این دسته، شامل آن بخش از مطالبات موسسه اعتباری، که صرف نظر از تاریخ سررسید، به دلایل متقن از قبیل فوت یا ورشکستگی بدهکار و یا علل دیگر، قابل وصول نبوده و با رعایت ضوابط مربوط، به عنوان مطالبات سوخت شده تلقی شده است. جدول ۱، تعریف انواع مطالبات در نظام بانکی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: انواع مطالبات بانکی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

شرح		مطالبات
تأخیر کمتر از ۲ ماه در پرداخت اقساط		جاری
تأخیر بین ۲ تا ۶ ماه در پرداخت اقساط	سررسید گذشته	غیر جاری
تأخیر بین ۶ ماه تا ۱۸ ماه (۱/۵ سال) در پرداخت اقساط	معوق	
تأخیر بیش از ۱۸ ماه در پرداخت اقساط	مشکوک الوصول	
مطالبات غیر قابل وصول به دلایلی چون فوت یا ورشکستگی بدهکار		سوخت شده

بنا به اصلاحیه ماده ۱۱ وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی) در سال ۱۳۹۲، این مؤسسات برای تسهیل تسویه بدهی‌های غیرجاری مشتریان، می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات مربوط، برای یک بار با استفاده از یکی از راه‌کارهای زیر، یا ترکیبی از آن‌ها، نسبت به تعیین تکلیف بدهی مشتری اقدام نمایند:

- بخشش وجه التزام تأخیر تأدیه دین، حداکثر به میزان مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین، با نرخ سود تسهیلات مندرج در قرار داد؛

- تقسیط مجدد بدهی حداکثر به مدت پنج سال؛

- امهال بدهی حداکثر به مدت شش ماه.

بر اساس آیین نامه وصول مطالبات بانکی مصوب سال ۱۳۸۸، امهال در مطالبات بانکی، به معنای مهلت دادن به بدهکاران برای بازپرداخت بدهی در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه و تقسیط، به معنای قسط بندی بدهی بدهکارانی است که مطالبات آنها در طبقات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول قرار دارد.

## پیشینه

با توجه به مبانی نظری و تعاریف، توجه به پیشینه بحث می‌تواند راهگشا باشد. تاکنون مطالعات و بررسی‌هایی متعددی، در مورد دلایل بروز معوقات در نظام بانکی ایران انجام شده است. راه‌کارهای متفاوتی نیز برای حل آن ارائه شده است.

الف. مطالعات صورت گرفته در این زمینه را می‌توان در چند دسته، مطالعات مربوط به دلایل شکل‌گیری مطالبات معوق بانکی، مشروعیت فقهی جریمه تأخیر و روش‌های پیشنهادی برای کاهش مطالبات معوق بانکی قرار داد:

## ۱. مطالعات مرتبط با دلایل شکل‌گیری مطالبات معوق بانکی، که به برخی از این مطالعات ارائه شده اشاره می‌شود:

هاشمی نودهی و علی‌مدد (۱۳۷۷)، با بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته، تسهیلات در بانک مسکن طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۶، نتیجه می‌گیرد که این مشکل ناشی دو عامل عدم توسعه سیستم اجرایی بانک مسکن، تورم، تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ بهره بازار بوده است.

حبیبی (۱۳۸۱)، ضمن بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت به موقع تسهیلات بانک کشاورزی، طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹، عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات کشاورزی را به دو عامل ۱. افزایش شاخص بهای نهاده‌های کشاورزی و افزایش واردات محصولات کشاورزی و ۲. افزایش شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهای کشاورزی نسبت داده است. این بدان معنا است که تورم تاثیر مستقیمی بر مطالبات معوق بانک داشته است.

باقری و نجفی (۱۳۸۳)، با استفاده از روش تجزیه تشخیصی، به بررسی عوامل مؤثر بازپرداخت تسهیلات کشاورزی در استان فارس نموده‌اند.

اکرامی و رهنما اسکمی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک»، رابطه نه متغیر معدل موجودی شش ماهه حساب جاری، داشتن چک برگشتی، سابقه افتتاح حساب جاری، زمینه فعالیت تولیدی متقاضی، سابقه اعتباری مشتری، نوع وثیقه ارائه شده، حجم گردش بستانکار حساب جاری، مبلغ تسهیلات و نسبت مبلغ تسهیلات، به معدل موجودی، به‌عنوان متغیرهای مستقل پژوهش، با وضعیت بازپرداخت تسهیلات، به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش بررسی شده است.

رستمیان و طبسی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری مناطق آزاد تجاری - صنعتی، به بررسی موردی شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش، طی سال‌های ۱۳۸۰-۸۶ پرداخته‌اند.

کردبچه و نوش‌آبادی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران»، با استفاده از مدل پانل پویا برای یک نمونه، ۱۲ بانک کشور در طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۱، به این نتیجه رسیدند که کارایی عملیاتی، رفتار احتیاطی و نوع مالکیت بانک‌ها، متغیرهای تعیین کننده و معنادار در توضیح مطالبات معوق در نظام بانکی ایران هستند.

شعبانی و جلالی (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن»، با انجام یک مطالعه پرسش‌نامه‌ای، سی عامل در بروز مطالبات معوق در نظام بانکی کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که نقش عوامل درون سازمانی، در شکل‌گیری معوقات بیش از عوامل برون سازمانی است. در این تحقیق، راه‌کارهایی نیز برای مقابله با این مشکل پیشنهاد شده است.

تقی‌نجاج و نجف‌پور کردی (۱۳۹۲)، در یک مطالعه میدانی، به بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه‌کارهای پیشگیری و کاهش آن پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که افزایش به ترتیب اهمیت متأثر از هفت عامل عدم اعتبارسنجی مناسب، ضعف آموزش کارمندان، فقدان سیستم هوشمند پیگیری مطالبات، نبود سیستم جامع حسابداری، عدم وجود ساختار سازمانی متصدیان وصول مطالبات در شعب و سرپرستی بانک، تغییرات قانون چک، و عدم وجود شورای حل اختلاف می‌باشد. یافته‌های این مطالعه، نشان می‌دهد که روان نبودن امور اعطای تسهیلات و عدم رعایت حقوق مشتریان، نقشی در افزایش مطالبات معوق نداشته است.

نتایج یک مطالعه میدانی، توسط دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که عدم وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها در زمینه فرآیند وثائق و تضمینات را می‌توان به ۱۳ عامل عمده زیر نسبت داد:

- فقدان بانک جامع اطلاعات، در خصوص وثایق مشتریان و گیرندگان تسهیلات؛
- عدم ارتباط شعب بانک‌ها با یکدیگر، در مورد اطلاعات و وثایق مشتریان؛
- تهدید بدهکاران بانکی به اعلام ورشکستگی، در صورت به اجرا گذاشتن وثیقه. در نتیجه، تن دادن بانک به مذاکره و پذیرش شرایط پرداخت بدهکار؛
- برخی قوانین نظیر قانون الزام بانک‌ها، در ممنوعیت اخذ وثیقه ملکی مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، یا قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی مصوب سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی؛
- پرداخت تسهیلات دستوری تحت فشار مسئولین بدون توجه به نوع وثیقه یا تضمین؛
- عدم وجود شرکت‌های اعتبارسنج یا مقام‌های ذی‌صلاح، برای ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط گیرندگان تسهیلات؛
- دریافت سفته خارج از عقد، برای برخی تسهیلات بدون امکان اجرا در مراجع قضایی یا ثبت؛
- فقدان استانداردهای بررسی وثایق، در کنار وجود انگیزه‌های رانت‌خواری برای ارزیابی نادرست آنها؛
- عدم توجه به انواع استعلامات از مراجع مرتبط مانند شهرداری، اداره مالیات. در نتیجه، تبدیل اسناد به اسناد ذمه‌ای و وصول نشدن برخی از مطالبات؛
- عدم ثبت رسمی املاک و اسناد در برخی نقاط کشور، مانند وجود زمین و مستغلات با اسناد شورایی؛
- عدم اعتبارسنجی ضامنین و استفاده از آنان بدون اعتبار و پشتوانه مالی؛
- اخذ وثایق تلیقی رهنی و ذمه‌ای و عدم امکان اقدام در اسناد ذمه‌ای به دلیل عدم شناسایی مال؛ و
- زمان‌بر بودن ثبت دادخواست در دادگاه و صدور حکم (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۸-۳۰).

## ۲. مطالعات مرتبط با راهکارهای مدیریت مطالبات معوق بانکی

حیدری (۱۳۸۳)، با استفاده از الگوی لاجبیت معمولی، به بررسی راهکارهای بهبود وصول و کاهش مطالبات معوق بانک کشاورزی، در استان کردستان پرداخته و نشان می‌دهد که افزایش مدت زمان بازپرداخت تسهیلات موجب افزایش میزان عدم بازپرداخت می‌شود.

موسویان (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانک‌های بدون ربا»، پس از بررسی علل تأخیر تأدیه و آثار آن، برخی راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با مشکل را بر اساس معیارهایی چون مشروعیت، و کارایی ارزیابی می‌کند.

قلیچ (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا؛ تحلیل مشکلات و ارائه راهکاری جدید»، ضمن تجزیه و تحلیل عوامل بروز مشکل، به بررسی راه حل‌های پیشنهادی از جمله وثیقه و ضمانت، اشتراط خسارت تأخیر، شرط ضمن عقد جریمه دیرکرد، شرط پرداخت قرض بدون بهره، تعزیر مالی متخلف پرداخته است.

اسلامی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بیمه اعتباری، ابزار نوین مالی برای کاهش مطالبات معوق بانک‌ها، با رویکرد توسعه نهادهای مالی کشور»، نکول را به دو عامل عدم توانایی و عدم تمایل مشتری در بازپرداخت تسهیلات نسبت می‌دهند.

مرادی راد (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مناسب جهت وصول مطالبات بانکی» بین عوامل برون سازمانی و درون سازمانی تأثیرگذار بر معوق شدن مطالبات تفکیک می‌کند.

### ۳. مطالعات مرتبط با مشروعیت راه کارهای مدیریتی:

رضایی (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی جرمه تأخیر» معتقد است: راه‌حل‌های مطرح برای گرفتن جرمه تأخیر، مانند جرم بودن تأخیر و تعزیر مالی، جرمه تأخیر در برابر تورم، جرمه برای ضرر وارد شده و جواز دریافت جرمه، به علت تعهد پرداخت به صورت شرط، از نظر فقهی قابل دفاع نیست.

حسین‌آبادی (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وجه التزام مندرج در قرارداد»، به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیا وجه التزام، کیفر تخلف از انجام تعهد و یا جبران خسارت وارده به متعهدله است؟

موسوی بجنوری (۱۳۸۲)، در مقاله «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، ضمن بررسی فقهی و حقوقی خسارت تأخیر تأدیه، دیدگاه موافقان و مخالفان مشروعیت را بررسی کرده است.

وحدتی شیبیری (۱۳۸۲)، در مقاله «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی خسارت تأخیر تأدیه می‌پردازد. وی، این گونه نتیجه می‌گیرد که قانون‌گذار با چهار شرط امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به طور کلی امکان‌پذیر ساخته است. اما فقیهان به طور عموم، خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد را به هر شکلی ربا و حرام دانسته‌اند.

تسنخیری (۱۳۸۳)، در مقاله «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»، جرمه را غرامتی می‌داند که هر یک از خریدار و فروشنده، آن را هنگام بستن قرارداد، به‌عنوان کیفر اخلال در مقتضای عقد یا در آنچه که در ضمن عقد به آن ملتزم یا متعهد شده‌اند، تعیین می‌کنند و گاه از آن با عنوان «وجه التزام» یاد می‌شود.

موسویان (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، سیر تحول قوانین وضع شده برای جرمه بدهکاران بانکی، از جمله گنجانیدن شرط وجه التزام در قراردادهای بانکی را بررسی می‌کند.

به طور خلاصه، مطالعات صورت گرفته را می‌توان در عوامل سازمانی و پرداختن به جرمه تأخیر عنوان کرد؛ همانگونه که ملاحظه شد، تاکنون تحقیقی در زمینه ارتباط معوقات بانکی و انجام صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا، با تمرکز بر مشارکت مدنی و فروش اقساطی انجام نشده است. همین امر نوآوری این پژوهش است.



## امکان تحقق معوقه در نظام بانکداری بدون ربا

نظام بانکداری بدون ربا، برای حذف ربا و جایگزینی سود مشروع طراحی گردید. در این نظام، بر اساس آموزه‌های اسلام، به طراحی ابزارها و روش‌هایی پرداخت که از مشروعیت و کارایی لازم برخوردار باشند. تخصیص منابع بانکی در بانکداری بدون ربا، در قالب چهار دسته عقد قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم اتفاق می‌افتد.

گزارش منتشره بانک مرکزی، در خصوص «تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی» در قالب عقود اسلامی شامل، قرض الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت مدنی، جعاله، فروش اقساطی، مرابحه، استصناع، اجاره به شرط تملیک، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم و سایر عقود، تا پایان سال ۱۳۹۵، نشان می‌دهد که میزان کل مانده تسهیلات نظام بانکی کشور، در سال ۱۳۹۵ معادل ۸۴۸۰ هزار میلیارد ریال بوده است. در بین این ۱۱ عقد در گزارش بانک مرکزی، صرف نظر از اجرای صحیح عقود در نظام بانکی، بیشترین مانده تسهیلات اعطا شده بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، در قالب عقد «مشارکت مدنی» ۴۲.۶ درصد و «فروش اقساطی»، ۲۴/۱ درصد بوده است (جدول ۲).

با توجه به حجم بیش از ۶۵ درصدی تسهیلات اعطایی، در قالب دو عقد مشارکت مدنی و فروش اقساطی، رویکرد غالب مقاله، بررسی بروز معوقات در این دو عقد خواهد بود.

با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به معوقات بر حسب عقود اسلامی، در این مقاله، فرض بر این است که ترکیب معوقات، تا حدودی با ترکیب تسهیلات اعطایی بر حسب عقود اسلامی متناسب است. به عبارت دیگر، حدوداً ۴۰ درصد معوقات، مربوط به مشارکت مدنی و حدود ۳۰ درصد، به فروش اقساطی اختصاص دارد.

جدول ۲. تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی (هزار میلیارد ریال) تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

سهم از مانده در پایان ۱۳۹۵	مانده در پایان ۱۳۹۵	تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی
۱۰۰	۸۴۸۰.۱	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
۴.۸	۴۰۸.۰	قرض الحسنه
۲.۰	۱۷۱.۶	مضاربه
۰.۳	۲۷.۲	سلف
۴۲.۶	۳۶۱۴.۳	مشارکت مدنی
۳.۷	۳۱۰.۴	جعاله
۲۴.۱	۲۰۴۶.۸	فروش اقساطی
۴.۶	۳۸۷.۱	مرابحه
۰.۲	۱۹.۷	اجاره به شرط تملیک
۳.۶	۳۰۷.۱	مشارکت حقوقی
۱.۰	۸۴.۹	سرمایه‌گذاری مستقیم
۱۳.۰	۱۱۰۳.۰	سایر

## تحلیل عقد مشارکت مدنی

همانطور که بیان شد، یکی از عقودی که سهم بالایی در معوقه شدن تسهیلات دارد، عقد مشارکت مدنی است. از جمله روش‌هایی که بانک، بر اساس ماده ۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا، می‌تواند با اشخاص حقیقی و حقوقی وارد معامله شود و نیازهای مالی آنان را تأمین کند، مشارکت مدنی است. طبق آئین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا: «مشارکت مدنی عبارت است از: درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیرنقدی، متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به‌نحو مشاع، به منظور انتفاع، طبق قرارداد.» در قانون مدنی، مشارکت مدنی چنین تعریف شده است: «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو مشاع. در واقع، بانک به‌عنوان شریک در این گونه فعالیت‌ها وارد شده و منابع لازم برای انجام پروژه را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. در پایان قرارداد نیز سود حاصل از شرکت، به تناسب سرمایه بین بانک و شریک تقسیم می‌شود. مشارکت مدنی مورد استفاده در شبکه بانکی، همان قرارداد شرکت است که در متون فقهی از آن به «شرکت اموال» یا «شرکت العنان» تعبیر می‌شود. برخی فقها چنین تعریف کرده‌اند: «شرکت، قراردادی است که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌شود تا با مالی که بین آنان مشترک است، فعالیت اقتصادی کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۱).

ماهیت قراردادهای مشارکتی، به گونه‌ای است که اگر هم زیانی حاصل شود، این زیان باید بین صاحب سرمایه و عامل، تقسیم شود؛ به این صورت که زیان بر سرمایه وارد می‌شود و عامل نیز بابت کارهایی که انجام داده و هزینه‌هایی که کرده هیچ اجرتی دریافت نمی‌کند. اگر عامل هم در تأمین سرمایه مشارکت کرده باشد، بنا به قاعده، بخشی از زیان نیز به نسبت سرمایه، به وی وارد خواهد آمد. هر چند بنا به نظر برخی فقها، در قرارداد شرکت نیز می‌توان شرایطی را در ضمن قرارداد مطرح کرد. یکی از شرایط مهم برای بانک، شرط پذیرش ضرر احتمالی از سوی مشتری (شریک) است. امام خمینی (ره) در جواز تعهد ضرر احتمالی در قرارداد شرکت می‌فرماید: «اگر شرکا قرار بگذارند که همه استفاده را یک نفر ببرد، صحیح نیست؛ ولی اگر قرار بگذارند که تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد، شرکت و قرارداد هر دو صحیح است» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷). اما شرط تضمین جبران ضرر، ارتباطی با معوقه شدن و به تبع آن، با بحث خسارت تأخیر تأدیه درباره دیون اشخاصی که در قراردادهای مشارکتی متحمل زیان شده‌اند، ندارد. تعلق خسارت تأخیر تأدیه، به چنین مطالبه‌هایی به این معناست که با وجود عدم حصول سود در مشارکت و حتی بروز نقصان در اصل سرمایه، بانک بابت تأخیر در بازپرداخت اقساط، خسارتی نیز از بدهکار دریافت می‌دارد. در حقیقت، بانک خسارت تأخیر در بازپرداخت دیونی را دریافت می‌دارد که اساساً وجود خارجی ندارد و فقط در فهرست مطالبه‌های بانک درج شده‌اند. به همین دلیل، با ماهیت قرض سازگاری پیدا می‌کند؛ یعنی صورت قرارداد مشارکت است، اما قرارداد حقیقی، عقد قرض بوده است. هر نوع زیادی در عقد قرض نیز ربا می‌باشد. مگر اینکه عقد مشارکت مدت دار باشد. در این صورت، عقد مشارکت در سررسید قابلیت تبدیل به عقد فروش اقساطی خواهد داشت.

اگر مشارکت واقعی در سیستم بانکی اتفاق افتاده باشد، دو حالت متصور است:

۱. تحقق مشارکت واقعی. در این حالت، اموال به صورت مشاع با هم ترکیب می‌شود. اما اگر بنا به تقسیم سهم الشرکه باشد، در آن صورت امکان تبدیل قرارداد وجود دارد. در صورت تبدیل قرارداد، دین و بدهی زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت، مثلاً به فروش اقساطی تبدیل شود. در این صورت، ماهیت قرارداد عوض شده، و متفاوت از قبلی می‌باشد. تا وقتی مشارکت وجود داشت، معوقه معنا نداشت؛ زیرا کسی بدهکار یا طلبکار نبود. در حالی که بحث ما مشارکت مدنی است، نه فروش اقساطی. بحث فروش اقساطی در جای خود بحث می‌شود.

۲. مشارکت با ضرر همراه باشد و ضرر بر عهده مشتری باشد. در این حالت، تا پیش از تحقق کامل مشارکت، هیچ دینی ایجاد نمی‌شود. اما در صورت بروز ضرر، طرف مقابل مسئول پرداخت ضرر می‌باشد. نکته مهم در این رابطه اینکه حتی با بروز ضرر طبق قرارداد، بانک تضمین‌های بسیاری از مشتری اخذ می‌کند تا سهم الشرکه خود را برداشت نماید. بر اساس یکی از قرارداد مشارکت مدنی، به‌عنوان نمونه «قرارداد مشارکت مدنی احداث و تکمیل واحد ساختمانی و تأسیسات و نصب ماشین آلات طرح»، حساب مشتری که به نام بانک و شریک ایجاد می‌گردد (ماده ۴) و مشارکت بانک و شریک در طرح موضوع مشارکت، به صورت مشاع خواهد بود (تبصره ۳ ماده ۴) و شریک ضمن عقد لازم، به بانک حق و اختیار می‌دهد تا بانک ظرف مدت و اعتبار این قرارداد، کلیه هزینه‌های مربوط را تحت هر عنوان، حسب تشخیص خود، از محل هرگونه وجوه و دارایی و حساب شریک برداشت کند و یا در صورت پرداخت توسط بانک، به حساب بدهی شریک منظور نماید (ماده ۱۶). در صورت فوت و حجر شریک قبل از انقضای مدت، بانک می‌تواند قرارداد مشارکت مدنی را فسخ کند و بانک حق دارد، مبلغ سهم الشرکه و سهم السود متعلقه را به تشخیص خود، به صورت نقدی و یا غیر نقدی، از دارایی‌های شریک برداشت و تأمین نماید (ماده ۱۸). شریک ضمن عقد لازم، بانک را وکیل بلاعزل خود، با حق توکیل غیر قرارداد می‌دهد. چنانچه شریک یا قائم مقام قانونی وی، حاضر به خرید سهم بانک نگردد و یا حاضر به فروش سهم الشرکه خود، از موضوع مورد مشارکت نشود، بانک حق خواهد داشت نسبت به برداشت و منظور نمودن وجوه موجود در حساب مشتری، مشارکت به حساب مطالبات خود و فروش پلاک موضوع مورد مشارکت و کلیه مستحقات و منصوبات آن، طبق مقررات بانک اقدام نموده، و حاصل فروش را نسبت به سهم الشرکه تقسیم و سهم شریک را پس از کسر کلیه هزینه‌های مرتبط و سهم السود متعلقه به وی بپردازد. در این مورد، شریک حق هرگونه اعتراض و ادعای آئی و احتمالی را از خود ساقط نمود (ماده ۲۱) (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹، ص ۹۶-۱۰۱). از این رو، اگر مشارکت واقعی اتفاق بیافتد و اموالی وجود واقعی داشته باشند، احتمال بروز معوقه بسیار ضعیف است.

در توجیه امکان وقوع دین در مشارکت، استدلال شده است که با توجه به اینکه در قراردادهای مشارکت بانکی، یک طرف بانک و طرف دیگر مشتری است و قرارداد مدت دار است، با وجود اینکه شریک (مشتری)

متعهد شده در سررسید مقرر، ضمن شرط ضمن عقد در قالب صلح با اذن تصرف، سهم شرکت بانک را خریداری کند، تا به این وسیله مشارکت به اتمام برسد، گاهی شریک در سررسید توان خرید ندارد. در این صورت، بانک می‌تواند قرارداد شرکت را تمدید کند. چنانچه در پایان مدت قرارداد، دارایی به‌عنوان اموال مشارکت وجود داشته باشد، برای مثال، مسکن ساخته شده باشد. اما به فروش نرفته باشد و یا کالای موضوع قرارداد در مضاربه به فروش نرفته باشد و به این دلیل تسهیلات غیرجاری شده باشد، می‌توان سهم بانک از اموال را در قالب فروش اقساطی، یا مرابحه (اقساطی یا دفعی)، به مشتری واگذار کرد. همچنین، در صورتی که اموال مشارکت واجد شرایط باشد، می‌توان برای واگذاری از اجاره به شرط تملیک نیز استفاده کرد. اما چنانچه اموالی در اختیار نباشد، تسویه بدهی‌های غیرجاری مشتری، ناشی از قراردادهای مشارکتی، با تنزیل اسناد تجاری در قالب عقد خرید دین، پیش خرید محصولات/کالا در قالب عقد سلف و یا مشارکت کاهنده پیشنهاد شده است (موسویان و غلامی، ۱۳۹۲).

خطای فاحش این استدلال این است که بانکها مشارکت و فروش اقساطی واقعی انجام نمی‌دهند و همه عقود را مثل هم و به منزله عقد قرض منعقد می‌سازند. به تبع آن، معوقات بانکی شکل می‌گیرد. همانگونه که بیان شد، طبق قرارداد مشارکت، حساب مشترکی به نام بانک و شریک ایجاد می‌گردد. به همین دلیل، چنانچه شریک یا قائم مقام قانونی وی حاضر به خرید سهم بانک نگردد و یا حاضر به فروش سهم شرکت خود، از موضوع مورد مشارکت نشود، بانک حق خواهد داشت نسبت به برداشت و منظور نمودن وجوه موجود، در حساب مشتری مشارکت به حساب مطالبات خود و فروش موضوع مورد مشارکت و کلیه مستحدثات و منصوبات آن، طبق مقررات بانک اقدام نموده، حاصل فروش را نسبت به سهم شرکت تقسیم و سهم شریک را پس از کسر کلیه هزینه‌های مترتبه و سهم سود متعلقه به وی بپردازد. به همین دلیل، تبدیل غیرجاری شدن تسهیلات معنا ندارد، مگر اینکه همانند بانکداری ربوی با موضوع مشارکت برخورد شود.

ثانیاً، بانکها با استفاده ناصحیح از عقد صلح، حقوقی که در عقود اسلامی برای تسهیلات گیرندگان تعریف شده است، به طور کامل از بین می‌برند؛ به نحوی که هم بانک و هم دریافت کننده تسهیلات، از ابتدای معامله از اینکه مشارکت به صورت واقعی انجام نخواهد شد. به همین دلیل، انجام این کار گرچه شاید به لحاظ فقهی و بر اساس جایز بودن صلح ابتدایی در فقه شیعی فاقد اشکال باشد، اما با اهداف شارع مقدس در وضع عقود مشارکتی و مطرح ساختن حقوقی برای طرفین آن در تعارض است. از بین بردن حقوق سرمایه گذاران در سطح گسترده، شاید در یک مورد و چند مورد، ظاهراً مشکلی برای نظام بانکی ایجاد نکند، اما زمانی که این امر، به رویه‌ای عمومی و قاعده‌ای برای نظام سازی تبدیل گردد، به غیر واقعی شدن عملکرد نظام بانکداری اسلامی از دید ناظر بیرونی و همگرایی هرچه بیشتر این نظام، با نظام بانکداری متعارف منجر می‌گردد (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵؛ نظریور و همکاران، ۱۳۹۰).

## تحلیل فروش اقساطی (بیع نسبه)

یکی دیگر از عقودی که سهم بالایی در معوقه شدن تسهیلات دارد، فروش اقساطی می‌باشد. این عقد، از جمله عقود است که در نظام بانکی کاربرد قابل توجهی دارد. در این شیوه، مشتری تقاضای خود نسبت به کالای مشخص را با بیان نوع و مقدار و معرفی تولید کننده یا فروشنده اظهار داشته و متعهد می‌شود که در صورت فراهم نمودن کالا توسط بانک، آن را از بانک خریداری کند. بانک نیز با بررسی تقاضای مشتری، کالای مورد نظر را خریداری کرده، با احتساب سود بانک (متناسب با مدت بازپرداخت)، به صورت اقساطی به مشتری می‌فروشد. از جهت فقهی، چند نکته درباره شیوه عملیات استفاده از فروش اقساطی در نظام بانکی قابل توجه است. اولاً، مطابق ماده ۳ دستورالعمل اجرایی فروش اقساطی، بانک‌ها موظفند پیش از خرید اموال و کالاهای مورد تقاضای مشتری، مبادرت به دریافت تقاضا و تعهد کتبی متقاضی، مبنی بر خرید این قبیل اموال و کالاها نمایند؛ چرا که هدف بانک از خرید کالا، فروش آن به مشتری می‌باشد، بنابراین، لازم است اطمینان کافی از خرید وی داشته باشد. بر این اساس، دستورالعمل اجرایی بانک‌ها را موظف به گرفتن تعهد کتبی کرده است. اما از جهت فقهی، به دو دلیل تعهد مذکور اطمینان لازم را فراهم نمی‌کند: دلیل اول اینکه، این تعهد به‌عنوان «شرط ابتدایی» بوده و به اعتقاد مشهور فقها لزوم وفا ندارد. علاوه بر این، بر فرض که لزوم وفا داشته باشد، تخلف از آن اثر وضعی ندارد؛ یعنی اگر مشتری به تعهد خود وفا نکند و کالا را از بانک خریداری نکند، صرفاً فعلی حرام انجام داده است، اما قرارداد باطل نخواهد شد. شاید به همین دلیل، اکثر بانک‌های کشور، در عملیاتی‌سازی فروش اقساطی، خود مشتری را وکیل در خرید برای بانک و فروش از سوی بانک، به خودش می‌کند. در این شرایط، متقاضی به وکالت از سوی بانک و با استفاده از منابع بانک، کالا را خریداری کرده و سپس از سوی بانک، به خودش می‌فروشد و بر همین مبنا، کالا را تحویل گرفته به محل مصرفش می‌برد. ثانیاً، مطابق ماده ۵ دستورالعمل اجرایی، قیمت فروش اقساطی کالای مورد تقاضا با توجه به قیمت تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد. حداقل و حداکثر میزان سود بانک توسط شورای پول و اعتبار به تصویب خواهد رسید (بهمنی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۱). در این ماده، دو نکته فقهی وجود دارد: اول اینکه، گرچه به مقتضای شرایط عادی، هر فروشنده‌ای حق تعیین قیمت کالای خود را دارد و هیچ‌کسی حق تحمیل قیمت بر او را ندارد، اما حکومت اسلامی، که بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار نیز نماینده این حکومت در بازار پول است، حق دارد در شرایط خاص، اقدام به قیمت‌گذاری یا تعیین حداقل و حداکثر سود بانکی نماید. بنابراین، قیمت‌گذاری در کالایی که بناست به صورت نسبه فروخته شود، اشکال فقهی ندارد. هر چند بهتر است تا حد امکان قیمت‌گذاری به بازار واگذار شود. علاوه بر این، مطابق با فقه اسلامی، فروشنده می‌تواند برای فروش نسبه، قیمت بالاتری از قیمت نقدی کالا تعیین کند. حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید:

اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسبه بدهد و گرانتر حساب کند (مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسبه می‌دهم، تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گرانتر حساب می‌کنم) و او قبول کند، اشکالی ندارد» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۳۴۱).

ثالثاً، مطابق ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی، در صورتی که خریدار پیش از سررسیدهای مقرر مبادرت به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود نماید، بانک‌ها وظیفه دارند متناسب با مدت باقیمانده تا سررسید، تخفیف لازم را به خریدار اعطا کنند (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۱). گرچه در قرارداد بیع نسبه پس از انعقاد قرارداد، مشتری کل قیمت را بدهکار است و در سررسید یا سررسیدهای مقرر، باید آن را بپردازد، اما بایع می‌تواند در قبال دریافت زودتر بدهی، از بخشی از قیمت صرف نظر کند و تخفیف بدهد. امام خمینی (ره)، در این رابطه می‌فرماید: «کسی که جنسی را نسبه فروخته و برای گرفتن پول آن مدتی قرار داده، اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت، مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد اشکالی ندارد» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۳۵۴).

در صورتی که تسهیلاتی در قالب عقد فروش اقساطی به مشتریان داده شود، وجوه تبدیل به اموال و کالاهای مورد نیاز مشتری شده و اموال منتقل می‌شود. در این صورت، بانک می‌تواند در مورد برخی از اموال مثل خودرو و کالاهای سنگین و با دوام تا تسویه دین مشتری، آن اموال را به نام خود ثبت کند و پس از تسویه، مالکیت اموال منتقل شود. از این رو، در این شرایط امکان معوقه شدن نسبت به حالت قرض به شدت کاهش می‌یابد. چون تبدیل به اموال اتفاق می‌افتد. از این رو، امکان معوق شدن آن کمتر از حالتی است که تبدیل به قرض می‌شود؛ چون در قرض، ممکن است هر جایی مال صرف شود، اما در اینجا هدف مشخص است و عدم تقارن اطلاعات وجود ندارد. وقتی بانک پولی می‌دهد و مشتری در همان مسیر، پول را خرج می‌کند، عدم تقارن اطلاعات وجود ندارد و با وجود عدم تقارن اطلاعات، گردش مالی به راحتی صورت می‌پذیرد. در این صورت، احتمال معوق شدن آن کاهش می‌یابد. اما جایی که این منابع در جای خودش استفاده نشود، عدم تقارن اطلاعات بیشتر است. در صورت عدم تقارن اطلاعات، معوقات بیشتر می‌شود. در شرکت‌های لیزینگ، این آمار کم است؛ زیرا لیزینگ کار تخصصی انجام می‌دهد. اما در بانک ممکن است این اتفاق نیفتد. نکته‌ای که ما داریم این است که باید تبدیل به کالا اتفاق بیفتد. اما اگر تبدیل به کالا اتفاق نیفتد، پول را هدر خواهد داد. هر قدر این امر اتفاق بیفتد، احتمال معوق شدن آن کمتر است.

برای اثبات این ادعا، کافی است نگاهی به نحوه فعالیت و آمار معوقات شرکت‌های لیزینگ داشته باشیم. در واقع علاوه بر اجاره به شرط تملیک، بر اساس فروش اقساطی نیز فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، در اینجا به بررسی کارکردی دو نهاد بانک و شرکت‌های لیزینگ می‌پردازیم. چون بانک یک نهاد تخصصی فعالیت‌های لیزینگ نیست وقتی ورود می‌کند به فعالیت‌های لیزینگ از عهده آن بر نمی‌آید، این اتفاق می‌افتد. از این رو، کار تخصص را باید به شرکت‌های لیزینگ داد.

لیزینگ، از روش‌های کمک فروش کالا برای تولیدکنندگان و یکی از روش‌های تسریع کننده در تخصیص منابع مالی سرمایه‌گذاران و صاحبان منابع، از جمله بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری، در بازار پول و سرمایه محسوب می‌شود از مهم‌ترین شیوه‌های تأمین مالی، اعتباری و سرمایه‌گذاری در فعل و انفعالات چرخه اقتصادی

کشورهاست. لیزینگ، فعالیتی کاملاً تخصصی مبتنی بر روش اجاره بوده که در این فرآیند، قراردادی فیما بین دو شخص یا بیشتر، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، برای بهره‌برداری از عین یا منفعت کالاهای سرمایه‌ای یا مصرفی با دوام که از قابلیت اجاره برخوردار باشند، منعقد می‌شود و مجموعه‌ای از مبادلات تجاری، مشتمل بر تأمین مالی، خرید، اجاره و نهایتاً فروش (تملیک) را در بر می‌گیرد.

بر اساس قواعد بانکداری بدون ربا در ایران، به‌خصوص ماده ۵۷ آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی، تصویب نامه شماره ۸۸۶۲۰ هیات وزیران و ماده یک دستورالعمل اجاره به شرط تملیک در پانصد و بیست و پنجمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۶۳/۰۱/۱۹، عبارت «به شرط تملیک» تصریح شده که در حقیقت، نوعی اجبار در انتقال مالکیت از سوی موجر، به مستأجرین در قراردادهای اجاره بشرط تملیک می‌باشد. در بسیاری از کشورها، معمولاً اختیار به مستأجر داده می‌شود، نه شرط و اجبار مالکیت؛ اما به دلیل مشکلاتی که موجر پس از استرداد مورد اجاره در فروش و نگهداری و... با آن مواجه می‌شود، این امر در ایران کمتر کاربردی شده است.

بر همین اساس، نوع دیگری از عقود با عنوان فروش اقساطی نیز با توجه به فضای بانکداری بدون ربا، در شرکت‌های لیزینگ مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر پایه توافقات طرفین مالکیت مورد معامله، در زمان انعقاد قرارداد به خریدار منتقل شده، اما بهای مورد معامله به صورت اقساطی طی پیش پرداخت و اسناد دریافتی، توسط خریدار پرداخت می‌گردد. در این نوع قرارداد، معمولاً بهای فروش اقساطی مورد معامله بر اساس ارزش زمانی پول، مبلغی بیش از بهای نقدی آن برآورد می‌شود و چنانچه طرفین موافقت کنند، اسناد مالکیت به‌عنوان نوعی ضمانت یا تهرین تا پایان دوره قرارداد نزد شرکت لیزینگ محفوظ خواهد بود. افزون بر اینکه، بر اساس توافق حق انتقال به غیر از خریدار سلب گردد، اما قطعاً روشن است که مطابق روح قواعد فروش اقساطی، با انعقاد قرارداد فروش اقساطی الزاماً مالکیت می‌باید به خریدار منتقل و خریدار حق استفاده از مورد معامله را بر اساس تعریف مالکیت خواهد داشت.

حوزه عملیات این روش، کمک فروش از کالاهای ارزان قیمت یا به عبارتی، قطعات و مصرفی با دوام آغاز و تا کالاهای بسیار گران قیمت مانند هواپیماهای غول پیکر و کشتی‌های اقیانوس پیما و نیز سرمایه‌گذاری در تأسیسات شرکت‌ها و کارخانجات تولیدی و ماهواره‌های پیشرفته را در بر دارد.

آمار معوقات شرکت‌های لیزینگ، بین یک تا سه درصد گزارش شده است؛ در حالی که آمار معوقات بانکی، طی گزارش‌ها به ۱۶ درصد نیز رسیده است. با توجه به کارکرد تخصصی شرکت‌های لیزینگ و ماهیت و کالتی قراردادهای بانکی، این نتیجه به دست می‌آید که هر چه از تخصصی شدن فعالیت‌ها فاصله گرفته شود، به همان نسبت معوقات افزایش می‌یابد. اگر عقود اسلامی، به درستی می‌توانست انجام پذیرد، معوقات کمتر می‌شد در بعضی موارد مفهوم معوقه شکل نمی‌گرفت. در برخی موارد هم کمتر می‌شد و چون نهاد بانک طراحی شده است برای بازار پول و نمی‌تواند عقود را به درستی اجرا کند؛ عقود ورود به بازار واقعی است و چون ورود بانک به بازار واقعی،

دارای هزینه‌های فراوانی است، به همین دلیل، بانک سعی می‌کند همه این هزینه‌ها را به دوش مشتری بیندازد. از این رو، مشارکت مدنی که انجام می‌دهد، به صورت واقعی نیست. ادعای ما این است که تمام این عقود، باید به نهادهای تخصصی واگذار شود.

### وضعیت معوقات در بانکداری بدون ربا در ایران

با توجه به بحث‌های تماماً نظری مه مطرح شد، توجه به آمار معوقات بانکی می‌تواند ما را به دلایل اصلی ایجاد معوقات رهنمون سازد.

چنانچه عنوان شد، در بانکداری بدون ربا، تسهیلات در قالب عقود اسلامی ارائه می‌شود؛ در این شرایط، ماهیت معوقه تاحدودی با ماهیت آن در بانکداری ربوی متفاوت است.

جدول ۳، روند تغییرات مطالبات جاری بانک‌ها را برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. ارقام جدول براساس گزارش تفصیلی بانک‌های دولتی و خصوصی محاسبه شده است. همانطور که از اطلاعات جدول به دست می‌آید، کم و بیش در همه سال‌های مورد بررسی حجم، همه مطالبه‌های غیرجاری در شبکه بانکی کشور رو به افزایش بوده است.

جدول شماره ۳: وضعیت مطالبات غیرجاری در شبکه نظام بانکی ۱۳۸۴-۱۳۸۹

نسبت بانکهای خصوصی نسبت به بانکهای دولتی	نسبت هر بانک از کل	مطالبات غیرجاری (مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول) (به میلیارد ریال)											بانک‌های کشور
		۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۵.۷	۵.۶۶	۴۸۷۹۸	۳۷۵۱۱	۳۳۱۱۲	۲۷۶۲	۲۸۲۷۰	۲۹۴۹۹	۱۸۴۹۸	۸۷۹۶	۵۵۷۰	۱۴۰	۱۵	اقتصاد نوین
۰.۹۸	۰.۹۹	۸۵۱۷	۴۷۸۴	۲۸۱۷	۳۹۹۰	۴۸۱۶	۲۲۷۶	-	-	-	-	-	انصار
۰.۳۲	۰.۳۲	۲۷۹۳	۱۲۰۹	۳۸۸	۹	-	-	-	-	-	-	-	ایران زمین
۱.۰۶	۱.۰۶	۹۱۴۷	-	۵۹۲۶	۳۰۸۷	۱۰۴۳	۱۱۵	-	-	-	-	-	آینده
۱۷.۶۹	۱۷.۶۹	۱۵۲۴۴۷	۱۲۸۹۶۰	۹۴۹۱۳	۶۵۹۸۲	۶۰۴۰۰	۵۵۸۰۱	۵۳۵۹۹	۲۶۴۴۸	۱۸۵۷۴	۷۱۰۳	۱۵۰۸	پارسیان
۲.۳۲	۲.۳۲	۲۰۰۲۴	۱۵۸۰۵	۱۳۴۲۱	۱۰۵۲۵	۸۱۳۶	۷۶۸۸	۸۱۴۵	۳۹۳۰	۶۱۷	-	-	پاسارگاد
۰	۰.۷۱	۶۰۸۶	۵۳۰۷	۴۰۹۶	۴۴۴۱	۳۵۹۳	۱۰۲۲	۳۳۶	۲۵۰	۱۴۳	۹۱	۱۰۵	پست بانک
۰	۷.۹۷	۶۸۶۲۸	۹۳۳۴۳	۱۰۱۰۲۸	۷۳۲۸۹	۷۳۶۹۷	۵۷۶۴۶	۴۵۴۵۰	۴۱۲۷۱	۲۷۶۳۰	۲۶۳۰۸	۹۰۲۱	تجارت
۰	۰.۳۱	۲۶۹۴	۲۲۰۶	۲۰۱۸	۱۸۹۱	۱۴۶۸	۱۳۳۱	۱۸۱۷	۱۳۱۴	-	-	-	توسعه تعاون
۰	۱.۸۵	۱۵۹۷۹	۱۴۵۲۸	۱۶۱۴۵	۱۴۴۴۱	۶۶۹۳	۴۰۸۸	۴۰۸۰	۴۴۴۵	۳۰۹۹	۱۹۰۶	۹۰۴	توسعه صادرات



نسبت بانکهای خصوصی	نسبت هر بانک از کل	مطالبات غیرجاری (مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول) (به میلیارد ریال)										بانکهای کشور		
		۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵		۱۳۸۴	
۰.۰۴	۰.۰۵	۴۰۷	۲۸۳	۱۱۳	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	حکمت ایرانیان
۰.۱۳	۰.۱۴	۱۱۹۹	۴۲۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	خاورمیانه
۰.۷۶	۰.۷۷	۶۶۱۱	۵۳۴۳	۷۰۸	۲۵۷	۱۴۹	۰.۰۰۲	-	-	-	-	-	-	بانک دی
۰	۲.۴۲	۲۰۸۸۴	۱۹۰۶۵	۱۳۶۹۵	۱۴۸۱۹	۱۳۴۵۴	۹۰۵۵	۱۰۴۰۹	۹۸۰۹	۱۰۱۳۷	۶۶۴۴	۵۴۷۴	۳۹۸	رفاه کارگران
۳.۴۶	۳.۴۷	۳۹۸۹۲	۳۳۳۰	۳۳۷۵۷	۲۹۹۷۲	۲۸۰۱۷	۱۲۰۹۷	۷۵۰۲	۵۶۵۱	۳۷۰۳	۳۵۰	۳۹۸	۳۹۸	سامان
۰	۶.۵۲	۵۶۱۷۳	۴۱۰۱۴	۶۱۳۰۹	۴۲۰۱۳	۳۷۵۰۷	۳۷۵۲۸	۳۴۴۱۴	۳۹۱۳۲	۲۱۱۰۴	۸۱۴۵	۶۱۶۵	۶۱۶۵	سپه
۵.۱۱	۵.۱۲	۴۴۰۷۱	۴۵۱۳۷	۲۳۰۳۶	۱۰۵۵۹	۱۱۳۳۵	۷۴۱۹	۶۰۱۹	۲۰۸۴	۱۲۵	۱۱۰	-	-	سرمایه
۰.۹۵	۰.۹۶	۸۲۳۰	۷۰۳۱	۷۵۶۵	۶۵۸۷	۶۸۱۹	۴۹۸۰	۳۳۵۴	۲۰۵۳	۱۰۵۷	۱۰۲۶	۱۰۷۰	۱۰۷۰	سینا
۰	۰.۰۰	-	۴۷۸۸	۱۸۱۴	۱۱۸۱	۹۱۳	۵۱۶	۴۶۲	-	-	-	-	-	شهر
۰	۴.۲۶	۱۷۵۳۴	۴۴۲۹۶	۳۳۲۹۹	۳۹۶۶۱	۴۰۲۸۳	۳۰۲۵۷	۲۸۰۸۹	۳۳۰۱۴	۲۱۲۳۳	۱۵۰۵۸	۱۵۸۴۳	۱۵۸۴۳	صادرات
۰	۲.۹۱	۲۵۰۹۸	۳۱۷۱۷	۱۹۶۴۱	۱۵۸۷۱	۱۲۵۹۹	۱۳۴۶۴	۱۱۵۳۶	۷۵۰۱	۷۹۹۱	۶۰۸۴	۵۷۹۸	۵۷۹۸	صنعت و معدن
۰.۱	۰.۱۱	۹۱۰	۸۳۴	۵۳۷	۹۸	-	-	-	-	-	-	-	-	قرض الحسنه رسالت
۰.۰۵	۰.۰۵	۴۵۳	۲۹۲	۱۵۷	۷۷	۴۵	۴۴	۳۷	۲	-	-	-	-	قرض الحسنه مهر ایران
۱.۰۵	۱.۰۵	۹۰۸۳	۵۴۰۳	۳۹۳۳	۱۸۶۲	-	-	-	-	-	-	-	-	قوامین
۱.۲۱	۱.۲۱	۱۰۴۵۴	۸۵۷۱	۸۴۵۳	۸۹۰۳	۶۱۹۲	۴۷۹۵	۴۴۷۹	۳۸۹۲	۱۴۰۸	۱۵۷۵	۵۷۹	۵۷۹	کارآفرین
۰	۵.۷۱	۳۹۱۷۴	۴۹۳۴۴	۵۸۸۲۸	۳۹۷۴۰	۳۹۲۱۱	۳۸۰۷۳	۳۷۱۸۷	۶۸۳۴۵	۳۱۵۳۰	۱۸۸۳۶	۱۵۳۷۱	۱۵۳۷۱	کشاورزی
۰.۱۶	۰.۱۷	۱۴۶۱	۶۷۴	۸۷۹	۴۹۴	۵۳	-	-	-	-	-	-	-	گردشگری
۰	۹.۶۳	۸۱۹۸۶	۶۸۵۱۳	۵۳۱۰۶	۲۵۳۵۰	۳۴۳۷۰	۱۲۷۸۶	۱۰۰۰۴	۶۹۱۵	۴۵۴۳	۴۶۰۹	۳۵۱۸	۳۵۱۸	مسکن
۰	۷.۰۰	۶۰۳۱۱	۶۶۱۳۲	۶۷۲۳۳	۶۳۹۹۱	۵۵۳۸۶	۴۴۸۳۵	۵۵۵۸۴	۵۳۴۳۵	۶۲۰۱۴	۴۸۲۸۶	۱۱۰۸۳	۱۱۰۸۳	ملت
۰	۹.۴۶	۸۱۴۸۷	۹۳۴۶۰	۱۲۸۷۲۱	۱۲۶۵۳۵	۱۳۵۰۰۴	۸۹۲۳۹	۸۱۱۱۸	۸۰۳۷۲	۷۶۴۰۲	۳۳۲۰۴	۷۷۵۱	۷۷۵۱	ملی
۴۱.۰۹	۱۰۰	۸۶۱۵۳۰	۸۱۸۲۱۲	۷۹۴۵۹۸	۶۰۴۷۵۲	۵۹۶۵۰۳	۴۶۴۴۴۰.۰۰۲	۴۲۳۲۱۹	۳۴۷۴۵۹	۲۸۵۸۷۰	۱۸۹۴۷۷	۸۴۶۰۳	۸۴۶۰۳	مجموع مانده مطالبات غیر جاری

ماخذ: محاسبات تحقیق بر اساس گزارش عملکرد بانکهای کشور در سالهای ۸۴ تا ۹۵، موسسه عالی آموزش بانکداری در ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا.

جدول ۴، مانده انواع گروههای مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات را نشان می‌دهد. نسبت مطالبه‌های غیرجاری، به تسهیلات، یکی از شاخص‌های مهم بانکی است. این نسبت، به خوبی نشان می‌دهد که از همه تسهیلاتی که بانکها پرداخت کرده‌اند، چه میزانی قابل بازگشت نیست. در تحلیل اطلاعات جدول ۴، دست کم چند نکته قابل

ارائه است: اولاً، نسبت مجموع مطالبه‌های غیرجاری کشور، به تمام تسهیلات، همواره دو رقمی بوده که خود قابل تأمل است؛ چرا که میزان استاندارد این نسبت در سایر کشورها، سرانجام بین سه تا پنج درصد است (محرابی، ۱۳۹۳، ص ۶). ثانیاً، روند نسبت پیش گفته در بین سال‌های ۸۵ - ۹۱، همواره به جز سال ۸۹ رو به رشد بود است.

جدول ۴: نسبت مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات (درصد)

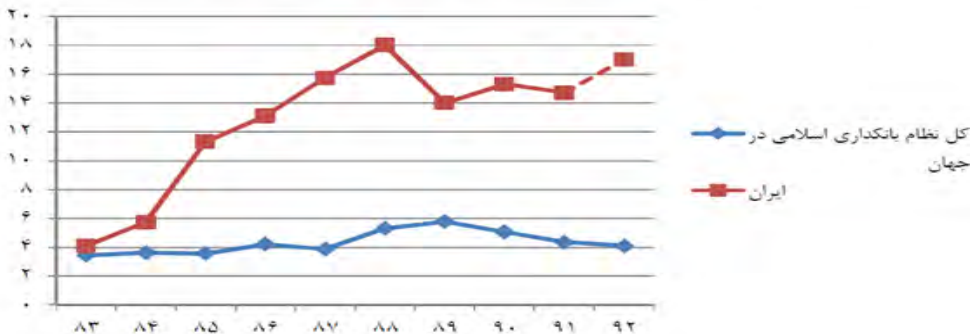
عملکرد نظام بانکی کشور	مجموع مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات
۱۳۸۵	۱۰/۹
۱۳۸۶	۱۴/۱
۱۳۸۷	۱۵/۷
۱۳۸۸	۱۶/۳
۱۳۸۹	۱۲/۹
۱۳۹۰	۱۴/۸
۱۳۹۱	۱۴/۲
۱۳۹۲	۱۳/۲
۱۳۹۳	۱۱/۲
۱۳۹۴	۱۲/۱
۱۳۹۵	۱۰/۳

منبع: گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۱، مؤسسه عالی آموزش بانکداری در ایران، بانک

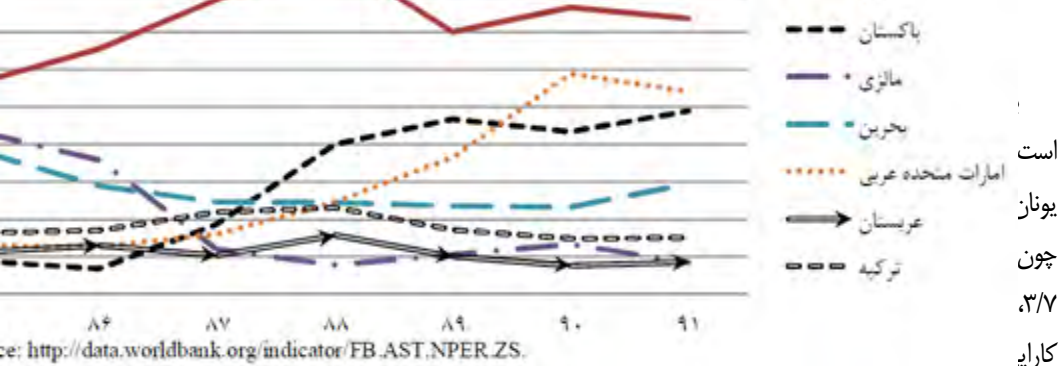
در تحلیل مجموع اطلاعات ارائه شده، می‌توان ادعا گفت: نسبت مطالبه‌های معوق، به کل تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور ایران بسیار بالاست. در حالی که بر اساس استانداردها و عرف بین‌المللی، نسبت مطالبات غیرجاری باید بین ۲ تا ۵ درصد تسهیلات اعطایی باشد. موققات بیش از ۵ درصد تسهیلات بانکی، به‌عنوان ریسک پر خطر محسوب می‌شود (محرابی، ۱۳۹۳، ص ۶) لازم به یادآوری است که نسبت فوق در ایران، همواره از سطح بین‌المللی بیشتر و در مرحله ریسک‌پذیری بالایی قرار داشته است.

نمودار ذیل، نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات اعطایی در ایران را با کل نظام بانکداری اسلامی در جهان مقایسه می‌کند که به طور متوسط، در کل بانک‌های اسلامی جهان، این نسبت در حد استاندارد جهانی می‌باشد. در حالی که در نظام بانکی ایران ۳ تا ۴ برابر آن می‌باشد.

نمودار ۱ - مقایسه نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات در ایران و جهان (واحد: درصد)



منبع: پایگاه اطلاعات آماری بانک‌های جهان Bank Scope



## دلیل اصلی مطالبات معوق در نظام بانکی

به رغم تمامی این مطالعات و یافته‌ها، یکی از دلایل مهم و اصلی ایجاد معوقات، که تقریباً در هیچ‌یک از مطالعات اشاره نشده است، عدم اجرای صحیح عقود اسلامی است. همانگونه که توضیح داده شد، در صورت اجرای صحیح عقود اسلامی، معوقات بانکی به شدت کاهش می‌یابد. در شرایط فعلی، عقود اسلامی در عمل به صورت عقد قرض تبدیل می‌شود و سپس به صورت معوقه تبدیل می‌شود. تقریباً عقد مشارکت مدنی به مفهوم واقعی آن، در نظام بانکی اجراء نمی‌شود و عملاً تسهیلات به صورت قرض به مشتری داده می‌شود. در عقد فروش اقساطی، در اکثر موارد مال و یا دارایی از سمت بانک به مشتری منتقل نمی‌شود. بنابراین، در صورت معوقه شدن تسهیلات عملاً دست بانک خالی است.

نکته محوری مقاله این است که معوقات به این دلیل است که عقود اسلامی، به درستی اجرا نمی‌شود. بانک‌هایی که الان اسلامی گفته می‌شود، در حقیقت بانک‌های تجاری هستند. بانک‌های تجاری تخصص در بازار پول دارند، نه بازار واقعی؛ به این معنا که وام می‌دهند و سود ثابت دریافت می‌کنند. اگر بخواهند عقود اسلامی اجرا کنند؛ یعنی ورود به بازار واقعی می‌کنند، ورود به بازار واقعی هزینه دارد؛ یعنی می‌خواهد مشارکت کند اما هزینه دارد، می‌خواهد فروش اقساطی کند، اما هزینه دارد. از این رو، برای حذف هزینه‌ها، انتقال آن به مشتری را انتخاب می‌کند. در مشارکت مدنی، می‌گوید: که مشتری عامل است و ضرر بانک را باید تقبل کند، عملاً مثل فروش اقساطی می‌شود که یک سود مشخصی را از او می‌گیرد. یا در فروش اقساطی بانک، مشتری را نماینده و وکیل خود قرار می‌دهد تا مالی خریداری کند. در حالی که در بیشتر مواقع، مالی توسط مشتری خریداری نمی‌شود، عقد صورتی می‌شود؛ زیرا بانک نمی‌تواند ورود به فعالیت‌ها داشته باشد. به همین دلیل، ادعای ما این است که نهادهای تخصصی باید چنین کارهایی را انجام دهند. بنابراین، وضع جرایم بانکی نمی‌تواند راه‌حل اصلی معوقات بانکی باشد. راه حل اصلی در طراحی نهادهای تخصصی برای اجرای عقود اسلامی است. این طرح در کتاب **به سوی حذف ربا**، به گونه‌ای مبسوط توضیح داده شده است (ر.ک: داودی و صمصامی، ۱۳۸۹).

## نتیجه گیری

دلیل اصلی ایجاد معوقات بانکی، عدم اجرای صحیح عقود اسلامی است. بانک‌هایی که اسلامی گفته می‌شود، در حقیقت بانک‌های تجاری هستند. تخصص بانک‌های تجاری، بازار پول است، نه بازار واقعی؛ به این معنا که وام می‌دهند و سود ثابت دریافت می‌کنند. ظرف تحقق عقود اسلامی، متناسب با مظهر آن، که عالم واقع و بازار کالا و خدمات است، محقق می‌شود. ورود بانک به بازار واقعی، مستلزم تقبل هزینه است. بانک جهت دفع هزینه‌ها، انتقال آن به مشتری را انتخاب می‌کند. در مشارکت مدنی، در مقام عمل، مشتری عامل است. بانک برای دفع ضرر هزینه‌های ریسک را به مشتری منتقل می‌کند. مثل فروش اقساطی می‌شود که یک سود مشخصی را از او می‌گیرد. یا در فروش اقساطی بانک، مشتری را نماینده و وکیل خودش قرار می‌دهد تا مالی خریداری کند. در حالی که در بیشتر مواقع، مالی توسط مشتری خریداری نمی‌شود؛ عقد صوری می‌شود؛ زیرا بانک نمی‌تواند ورود به فعالیت‌ها داشته باشد. به همین دلیل، ادعای ما این است که نهادهای تخصصی باید چنین کارهایی را انجام دهند. با توجه به آمار تسهیلات اعطایی، اگر فرض کنیم معوقات، به نسبت تسهیلات اعطایی اتفاق افتاده باشد؛ بدین معناست که ۷۰ درصد معوقات اشاره شده به عقود مشارکت مدنی و فروش اقساطی دارد.

بررسی واژه «معوقة» و دلایل تحقق آن، نشانگر این است که معوقه در قراردادهای منتهی به دین و قرض، امکان تحقق دارد. در مبانی نظری و حقوقی عقود مشارکتی، به دلیل دارا بودن شرایط خاص از معوقه شدن تسهیلات مصون می‌ماند. به همین دلیل، در شرایط رکود یا تورم، به دلیل مشارکت، سود و زیان بین طرفین تقسیم می‌شود.

در مورد عقد فروش اقساطی به مشتریان نیز وجوه تبدیل به اموال و کالاهای مورد نیاز مشتری شده و اموال منتقل می‌شود. در این صورت، بانک می‌تواند تا تسویه دین مشتری، آن اموال را به نام خود ثبت کند و پس از تسویه، مالکیت اموال منتقل شود. از این رو، در این شرایط، امکان معوقه شدن نسبت به حالت قرض به شدت کاهش می‌یابد. برای اثبات این ادعا، کافی است نگاهی به نحوه فعالیت و آمار معوقات شرکت‌های لیزینگی بیفکنیم. در واقع، علاوه بر اجاره به شرط تملیک، بر اساس فروش اقساطی نیز فعالیت می‌کنند.

با توجه به مطالب عنوان شده در مورد معوقات، راهکار مدنظر در مورد عدم ایجاد معوقه، پرداختن به علل ایجاد معوقه می‌باشد. راهکار حل مشکل، پرداختن به اخذ جرایم سنگین، تنها راه حل ممکن نیست. به عبارت دیگر، راهکار صحیح حل مشکل معوقات بانکی، اجرای دقیق و درست عقود اسلامی است (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹، ص ۶۲) به همین دلیل، رابطه مستقیمی بین عدم اجرای بانکداری بدون ربا و معوقه شدن وجود دارد.

- ابن‌ادریس حلّی، محمدبن احمد، ۱۳۷۰، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر نشر اسلامی.
- اسلامی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۰، «بیمه اعتباری، ابزار نوین مالی برای کاهش مطالبات معوق بانک‌ها با رویکرد توسعه نهادهای مالی کشور»، *بانک سپه*، ش ۱۲۷، ص ۳۲-۴۱.
- اکرامی، محمود و آزاده رهنما اسکی، ۱۳۸۸، «بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۱۶، ص ۱۹۵-۲۱۶.
- انصاری، علی، ۱۳۹۰، «دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۱، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- باقری، مهرداد و بهاء‌الدین نجفی، ۱۳۸۳، «بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت اعتبارات کشاورزی»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۱۹، ص ۹۷-۱۱۵.
- بهمند، محمود و محمود بهمنی، ۱۳۷۴، *بانکداری داخلی*، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- تسخیری، محمدعلی، ۱۳۸۳، «شرط کفبری مالی در بانکداری بدون ربا»، *فقه اهل‌بیت (فارسی)*، ش ۳۵، ص ۶۳-۷۱.
- تقی‌تاج، غلامحسین و حمیدرضا نجف‌پورکردی، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه‌کارهای پیشگیری و کاهش آن»، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ش ۱۷، ص ۱۳۴-۱۴۳.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، *ربا*، قم، بوستان کتاب.
- حبیبی، سوسن، ۱۳۸۱، *بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت به موقع تسهیلات بانک کشاورزی طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- حسین‌آبادی، امیر، ۱۳۸۱، «بررسی وجه التزام مندرج در قراردادها»، *الهیات و حقوق*، ش ۶، ص ۴۷-۶۰.
- حیدری، حسین، ۱۳۸۳، *بررسی راه‌کارهای بهبود وصول و کاهش مطالبات معوق بانک کشاورزی (مطالعه موردی استان کردستان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- داودی، پرویز و حسین صمصامی، ۱۳۸۹، *به سوی حذف ربا از نظام بانکی*، تهران، دانایی توانایی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- رستمیان، فروغ و داود طبسی، ۱۳۸۸، «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری مناطق آزاد تجاری-صنعتی، مورد مطالعه: شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش»، *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، ش ۶، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- رضایی، مجید، ۱۳۸۱، «بررسی فقهی - حقوقی جریمه تأخیر»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۲۷-۴۴.
- شعبانی، احمد و عبدالحسین جلالی، ۱۳۹۰، «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۸۱.
- عاملی، زین‌الدین، ۱۹۹۲، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عرب مازار، عباس و سعید کیمیادی، ۱۳۸۵، «اندیشه جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۲، ص ۱۳-۴۶.
- عزیز نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، *گزارش شماره ۱۳۷۹۷، دلایل وصول نشدن مطالبات غیرجاری بانک‌ها ۱. وثایق و تضمینات*، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قلیچ، وهاب، ۱۳۸۹، «جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا: تحلیل مشکلات و ارائه راهکاری جدید»، *نازدهای اقتصاد*، ش ۱۳۰، ص ۵۹-۶۵.
- کردبچه، حمید و لیلا پردل نوش‌آبادی، ۱۳۹۰، «تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۴۹، ص ۱۱۷-۱۵۰.

- محرابی، لیلا، ۱۳۹۳، **ارزیابی وضعیت مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها: با مروری بر تجارب سایر کشورهای اسلامی**، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۰ق، **المختصر النافع**، قم، الدراسات الإسلامية فی مؤسسة البعثة.
- ۱۴۱۵ق، **تسریع الاسلام**، قم، معارف اسلامی.
- مرادی راد، نادر، ۱۳۹۲، «الگوی مناسب جهت وصول مطالبات بانکی»، **کلید**، ش ۳، ص ۱۳-۱۸.
- موسوی اصفهانی، ابوالحسن و محمدتقی بهجت، ۱۳۸۱، **وسيله النجاه**، قم، شفق.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۱۶ق، **تحریر الوسیله**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۳۸۸، **مهذب الاحکام فی بیان حلال والحرام**، قم، دار التفسیر.
- موسویان، سیدعباس و روح‌الله غلامی، ۱۳۹۲، «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیر جاری در بانکداری بدون ربا»، **رؤیاء**، ش ۶۳ و ۶۴، ص ۱۰۹-۱۴۰.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۴، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، **فقه و حقوق**، ش ۴، ص ۱۱-۳۸.
- ۱۳۸۵، «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، **حقوق اسلامی**، ش ۸، ص ۱۰۵-۱۳۴.
- موسوی بجنوری، سیدمحمد، ۱۳۷۶، **مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی**، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، **جواهر الکلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نظرپور، محمدتقی و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، **اقتصاد اسلامی**، ش ۴۳، ص ۱۵۵-۱۸۸.
- وحدتی شبیری، سیدحسن، ۱۳۸۲، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، **اقتصاد اسلامی**، ش ۱۲، ص ۱۰-۹۳.
- هاشمی نودهی، میرمجتبی و مصطفی علی‌ممد، ۱۳۷۷، **بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات در بانک مسکن طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۶**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۸۳، **خسارت تأخیر تأدیه: آسیب‌شناسی فقهی قوانین**، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه.
- هدایتی، علی اصغر و همکاران، ۱۳۸۴، **عملیات بانکی داخلی ۲ (تخصیص منابع)**، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

<https://bankscope2.bvdep.com>

<http://data.worldbank.org/indicator>

[www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)